

قسمت پنجم

اثرات تربیتی تئاتر آموزشی



قاسم کریمی



تغییرات فکری و فرهنگی در راستای مکتب
ایجاد نخواهد شد زیرا:

۱- مری به عنوان یک الگو و رهبر
گروهی و هدایتگر جمعی، باید خود دعوی
این عقاید را داشته باشد و در مواقع مختلف،
بطور بارز به ایفای نقش هدایتی خود
بپردازد. او نه تنها در بیشتر مواقع اثری غیر
مستقیم بر افکار و رفتار دانش آموزان خواهد
داشت بلکه در فرصتهایی که در ضمن
تمرین ها بدست او می آید، می تواند مستقیماً
به ارائه افکار و سمت گیریهای فکری خود

چنانکه در مباحث قبلی ملاحظه شد، اثر
بخشی تئاتر در بعضی از زمینه ها بطور
خود بخودی و بغاظر ماهیت و ویژگیهای
خود تئاتر انجام می گیرد. مثلاً - بدون توجه
به سوز و نقش ها و ... در هر حال -
دانش آموز را مسئولیت پذیر می کند و در او
سازگاری اجتماعی ایجاد می نماید، روحیه
رهبری و مدیریت را در او تقویت می کند، به
اوشخصیت می دهد و ... ولی در اینجا
لازمه اثرگذاری تئاتر، منوط به شرایط مذکور
خواهد بود. و تا آنها وجود نداشته باشند؛

بپردازد. مثلاً هنگامی که اولین قدمهای کا
را شروع می کند به وضع باره ای مقررات
قواعد جمعی می پردازد که مبنا و پایه دینی
دارند و نیز در هنگام توجیه و آموزش متن
نقشها و... تذاکرات دینی و عقیدتی خود را
ابراز می دارد.

۲- متن نمایشنامه که در بردارنده ارزشها
و پیامهای دینی و اسلامی است، خود بخود
کانالی خواهد بود جهت انتقال عقاید
افکار اسلامی و درانتها به مأنوس کردن
دانش آموزان با این ارزشها خواهد انجامید.

۳- نقش های مثبت نمایش، خواه ناخواه
ویژگیهای آنچنان شخصیتی را به بازیگر
خود منتقل می سازد. این معروف است که
وقتی بازیگر «حس می گیرد» و به ارائه نقش
می پردازد، حالتیهای مربوطه تا مدتها در رفتار
او مشهود می ماند ولی مهمتر این است که
بازیگر - لااقل یکبار بطور تمرینی - لذت
نقش خوب و مثبت داشتن را تجربه می کند و
این شیرینی، روحیه و تمایلات او را به خود
جلب و جذب می نماید و بدین ترتیب،
اثر بخشی نقش های مثبت، ممکن و بلکه
قطعی می گردد.

۴- فضای اخلاقی و اعتقادی نمایش،
چنانچه در بحث «اثرات اجتماعی تئاتر»
مورد اشاره قرار گرفت، نوعی اثر مرموز و
پنهانی ایجاد می کند که در دل خود به تربیت
افرادی مطابق با همان ارزشها می پردازد.

۵- توقعاتی که برنامه ریزان و تهیه کننده
و تماشاگران و... از تئاتر دارند به عملکرد
مخصوصی در محتوی و بازی و اجرا
می انجامد. وقتی این توقعات مطابق شئون و
ارزشهای دینی باشد، دانش آموزان
دست اندر کار تئاتر، در سمتی اسلامی قرار
می گیرند و هر چه بیشتر پس از آنس با آن
موازی، به عمل تمرینی و عاداتی آنها
می پردازد.

پس تئاتر، خود عبارت از زمینه و موقعیتی
است که در صورت فراهم بودن شرایط
مزبور، به ایجاد تغییرات فکری و عقیدتی و
فرهنگی دانش آموزان منجر می شود.

تقویت ویژگیهای مثبت افراد

هریک از افراد دارای پاره ای ویژگیهای
مثبت و برخی خصوصیات منفی هستند.
برای رشد و تربیت افراد باید به تقویت



✱ تئاتر در مدرسه همچون
اتومبیلی پرشتاب و پرقدرت
است که به سهولت، طی طریق

می کند و به مطلوب می رساند
ولی باید تکنیک و روش آن را
شناخت.

ویژگیهای مثبت آنها پرداخت تا اندک
اندک جنبه های منفی در شخصیت آنها
تضعیف شده و از بین برود.

تئاتر، عرصه ای است برای بروز و ظهور
صفات مثبت افراد و تقویت آن خصوصیتها.
کسی که وارد گروه تئاتر می شود، بنابر
علاقه ها و توانایی هایش جذب یکی از ابعاد
ورشته های کار می گردد؛ یکی که قدرت
نویسندگی دارد به تهیه یا اصلاح متن
می پردازد، کسی که قدرت مدیریت دارد و
با فن نمایش نیز آشناست به سوی
کارگردانی گرایش پیدا می کند، کسی که با
هنر طراحی و رنگ آمیزی آشناست به تهیه
دکور و آماده سازی صحنه می پردازد و
خلاصه بازیگران هم به تناسب روحیه و
توانایی خود به ایفای نقش هایی که دارای
شخصیت های مختلف هستند می پردازند.
ترحم و مهربانی، خشونت، جذبت،
ملايمت، حماقت، وطن زو... اینها
همه عبارت از ویژگیهای مثبتی است که فرد
را به سوی عملی خاص هدایت می کند.
(البته باید دانست که در نقشهایی از قبیل
خشونت و... وحشی در نقشهایی
مثل مهربانی اصالت به اصل بازیگری و
قدرت ارائه خود داده می شود نه به عنوان
نقشی که برگزیده می گردد؛ مهم این است
که فرد بنابر توان و استعداد خود پایه
میدان بازیگری می نهد). عمل کردن،
موجب تقدیر دیگران و تقدیر و تشویق
دیگران موجب نوعی تثبیت آن توانش در فرد
می شود و بدین ترتیب، آن ویژگیهای مثبت
در افراد رشد می یابد.

رشد و تقویت این ویژگیها گاهی
آنچنان تعیین کننده است که بکلی
شخصیت عمومی فرد را تحت تأثیر خود قرار

می دهد.

پاره ای دیگر از خصوصیات مثبت افراد
به صورت نقش یا وظیفه خاصی در کار
نمایش بروز نمی کند ولی در شرایط گروهی و
اجتماعی دوستان و همسالان و تحت فضای
اخلاقی و هدایت شده و تحت نظارت و
درازیب با تعامل و مراوده های گروهی رشد
و تقویت می یابند. بنابر آنچه که از فضای
اخلاقی تئاتر انتظار داریم (چنانچه ذکرش
رفت) علی القاعده خصوصیتی چون
شجاعت، مهربانی، گذشت، ایثار،
خوشرویی، همراهی و حمایت، تواضع و
فروتنی و... مورد تقدیر و تشویق سایرین قرار
می گیرد و در نتیجه تقویت می شود و صفاتی
چون بخل و حسادت و کینه ورزی و غیبت و
تنبلی و سستی و... امکان بروز و ظهور
نداشته و در نتیجه به فراموشی و خاموشی
کشیده می شود. باید دانست که اساساً یک
گروه طی فرایند تعامل و مراوده افراد،
شاهد تبادل چنین صفاتی خواهد بود و
بالتبع مسائلی از قبیل آنچه ذکر شد پیش
خواهد آمد ولی شرایط اخلاقی و فضای
ارزشی گروه، پاره ای از آنها را تقویت کرده
برخی دیگر را خاموش می کند.

پس دو دسته از صفات مثبت در افراد
طی تعامل گروهی ظاهر می شود و کاری که
تئاتر در این زمینه انجام می دهد این است
که:
اول: امکان بروز و ظهور می دهد؛
دوم: تقویت می کند؛
سوم: صفات متضاد و مخالف (منفی)
را تخفیف می دهد.

تحریک و تقویت ذهنی

فرایند تئاتر منجر به نوعی تحریک و تقویت

ذهنی می شود و کسی که در حیطه وظایف
نویسندگی و کارگردانی و بازیگری قرار
می گیرد، با زمینه هایی برخورد می کند که
به تقویت ذهنی و حافظه و قدرت تفکر او
می انجامد. در همین راستا استعداد
جمله سازی فرد رشد می یابد، قدرت بیان و
تفکر او افزون می گردد، با تحریک فکری
روبرو می شود، گنجینه لغات او افزایش پیدا
می کند، حافظه اش تقویت می شود و... و
چنانکه پرواضح است، یکایک افراد جهت
فعالیت های شناختی و فکری نیازمند این
جنبه ها هستند و یک برنامه صحیح تربیتی
باید برای فراهم نمودن چنین زمینه هایی
اندیشه کند.

تئاتر در جای جای خود، به تقویت و
رشد این جنبه ها می پردازد و بدین ترتیب،
یکبار دیگر در این بُعد نیز به یاری دانش آموز
بر می خیزد. جهت روشن تر کردن بحث،
چگونگی تقویت یافتن هریک از زمینه های
سابق الذکر را مورد اشاره قرار می دهیم:

۱- رشد استعداد جمله سازی
و بیان: این حالت بخصوص در
نمایشهایی که به صورت «بدیهه» اجرا
می شود، بیشتر بروز و ظهور دارد زیرا در این
روش، چگونگی سخن گفتن و انتخاب
کلمات و جملات و طول عبارات و نحوه ارائه
منظور به خود بازیگرو گذار می شود. اما در
نمایشهایی که متن نمایش از قبل تهیه شده
و دانش آموز موظف به ادای همان عبارات
است، باز هم مقصود حاصل می شود ولی
به گونه ای دیگر. بهرحال آنچه که تردیدی
در آن وجود ندارد همان رشد جمله سازی و
بیان است. صد البته که سخن را ندن و بیان
متکی به قدرت ذهنی فرد است که در عین
حال به تقویت آن نیز می انجامد یعنی میان

ایجاد تغییرات فکری و عقیدتی
و فرهنگی دانش آموزان منجر
می شود.

✱ تئاتر، خود عبارت از زمینه
و موقعیتی است که در صورت
فراهم بودن شرایط مزبور، به



ذهن و بیان، مراد و عاملی برقرار است که هر کدام دیگری را تقویت می نمایند.

۲- تقویت گنجینه لغات: طی یادگیری متن‌ها و نیز فعالیت‌های مربوط به اجرای نمایش، بسیاری از عبارات، کلمات، اصطلاحات و... به گوش دانش آموز می خورد که پاره‌ای از آنها مربوط به خودتأثیر است، یعنی اصطلاحات ویژه فعالیت‌های نمایشی است و برخی دیگر مربوط به موضوعات مورد بحث در داستان نمایش و بعضی دیگر مربوط به فرهنگ افرادی است که در این برنامه مورد برخورد و آشنایی دانش آموز قرار می گیرند و اینها همه گنجینه لغات او را افزایش می بخشد.

تقویت حافظه: بازیگر در صورتی که متن مشخصی به عنوان «نمایشنامه» داشته باشد و همه دیالوگ‌ها از قبل آماده شده باشند، لازم است که از قبل به حفظ آنها مبادرت ورزد. بازیگر موظف است که پاره‌ای قطعات، جملات، اشعار، شعارها، عبارات معین و... را از حفظ داشته باشد. این مسأله موجب تقویت حافظه او می گردد. همین است که برای بیان عبارات در روی صحنه، مجبور است به خوبی آنها را به ذهن بسپارد و سپس بیاد آورده در حضور جمع بیان نماید. این روند، تحرکات فکری و ذهنی دانش آموز را افزون می کند.

رشد استعداد های فنی و هنری
یکی دیگر از اثرات کارهای نمایشی،

برخورداری از مقدار مختصری تکنیک و تجهیزات نمایشی، به فوننی از این قبیل نیازمند است:

- نجاری: برای تعمیر یا ساختن سن و ساختن برخی قطعات ساده برای دکور یا لوازم میان صحنه.

- سیم کشی: برای راه انداختن روشنایی و نورمحل نمایش و نور صحنه.
- آشنایی با بلندگو: برای تجهیز صوتی محل نمایش.

- خیاطی: برای تهیه یا تعمیر برخی البسه مورد نیاز تئاتر یا پرده‌های لازم در صحنه و...
طبیعی است که اگر انجام این امور به خود دانش آموزان محول گردد، گذشته از آثار متعدد تربیتی از قبیل آنچه که تاکنون مورد بحث قرار گرفته است، استعداد آنان را در این زمینه شکوفاتر می کند. چه بسا دانش آموزانی که علاقه مندی یا آشنایی نسبت به یکی از فنون فوق را داشته باشند ولی هرگز فرصت یا موقعیتی برای تجربه کردن و بکار گرفتن استعداد خود نیافته اند. این فرصت از سوی تئاتر در اختیار آنان قرار می گیرد و در نتیجه علاوه بر آشنایی دانش آموزان با فعالیت‌های فنی مذکور، استعداد آنها را تقویت می کند، آنان را بکار می گیرد و سرانجام موجبات تشویق و تقدیر دیگران نسبت به آنها را فراهم می آورد و خلاصه دانش آموز را در موقعیتی قرار می دهد که در آن احساس موفقیت و پیروزی می کند.

نتیجه
تأثیر آموزشگاهی نه یک آمد و شد

دکور و صحنه آرای و...
- نویسندگی: برای نگارش نمایشنامه یا اصلاح و بازنویسی نمایشنامه‌ها مطابق شرایط گروه مربوطه

- شعرخوانی: برای قرار دادن برخی اشعار به صورت تکخوانی یا سرود یا... در میان برنامه و یا حتی قبل و بعد آن

- قدرت سخنوری: برای ادای هر چه بهتر دیالوگ‌ها و...

- دکلمه: برای قرائت برخی قطعات ادبی یا معرفی نامه نمایش و...

- آرایش و گریم: برای گریم و آرایش بازیگران.

- تزیین: برای صحنه آرای یا تزیین محل نمایش.

- و...

هریک از این رشته‌ها دانش آموزانی را جذب خود می کند که دارای چنین استعداد و گرایش باشند. شکی نیست که چنین موقعیتی، دانش آموز را تحت تربیت هنری خود در همان رشته قرار می دهد.

پس چنانچه ملاحظه می شود، تأثیر تنها در یک بازیگری خلاصه نمی شود بلکه انواع رشته‌ها و هنرها و فنون را در بر می گیرد و می تواند قشر قابل توجهی از دانش آموزان علاقه مند و هنرمند را تحت آموزش و پرورش خود قرار دهد.

نتیجه
تأثیر آموزشگاهی نه یک آمد و شد

بازیگری قرار می گیرد، با زمینه‌هایی برخوردار می کند که به تقویت ذهنی و حافظه و قدرت تفکر او می انجامد.

فرایند تأثیر منجر به نوعی تحرک و تقویت ذهنی می شود و کسی که در حیطه وظایف نویسندگی و کارگردانی و



این است که با فراهم نمودن زمینه‌ها و امکانات مناسب استعداد های هنری و فنی دانش آموزانی که دارای چنین گرایش‌هایی باشند را تقویت و رشد می دهد. البته در این مورد قبلاً اشارات مختصری داشته ایم ولی به لحاظ اهمیت و کارایی این جنبه، باید با دقت بیشتری بدان توجه داشت: حتی یک نمایش معمولی نیز در صورت

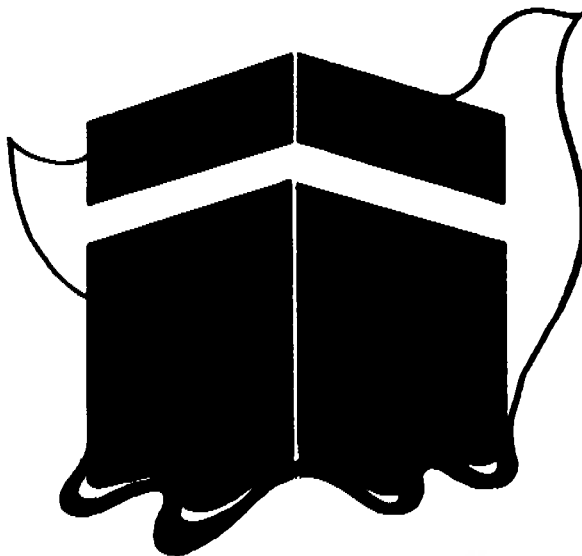
علاوه بر فنون فوق، برخی هنرها (جز آنچه که تاکنون مورد بحث قرار گرفته است) نیز در کارنمایشی مورد بهره‌وری قرار می گیرند مثلاً:

- خطاطی: برای نوشتن شعارها، تابلوها، پوسته‌های تبلیغی، معرفی برنامه‌ها و...

- نقاشی و طراحی: برای کمک در تهیه

و تمرین و اجرای ساده و معمولی بلکه حرکتی است تربیتی و دارای ابعاد فراوان. بنا بر آنچه که بر آن مرور داشتیم، دو صفت «سریع» و «وسیع» را به این فرایند مهم تربیتی در آموزشگاه نسبت می دهیم: تأثیر می تواند با سرعت و شتابی هر چه تمامتر، مری و متری را به سر منزل مقصود تربیتی و سازندگی شخصیتی و اخلاقی و روانی

زائر حج خونین



در رشای مری شهید رقیه رضائی

مری شهیدم؛

در آخرین دعای کمیل - که با هم بودیم - اشکت علامت عشق بود و شوق نشانه شهادت؛ از نجوای شبانهات معلوم بود که مسافری.

از التهاب مناجاتت روشن بود که مهاجری.

از اشتیاق رفتنت پیدا بود که شهیدی.
ما نیز شوق رفتن داشتیم اما اشتیاق تو جلوه‌ای دیگر داشت.

اینک

بادت، خانهات، مزارت همواره کلاس درس ما و خاطرات زینت خاطرماست. نام مقدس و یاد معطرت را بر برگ برگ درختان خواهیم نوشت و حماسه بزرگت را در دفتر روزگار ثبت خواهیم نمود. ما شعر بلند شهادتت را خواهیم سرود و بر بیشانی خورشید خواهیم نوشت!

با قطره قطره خونمان و با قطعه قطعه پیکرمان

انتقامت را از یزیدیان زمان - آل سعود - خواهیم گرفت.

دانش آموز تو - افسانه رشوند

بربال کدامین ملک نشستی که بی‌امان و شتابان بسوی معبود شتافتی؟

در «نماز شب» عارفانهات با خدا چه گفتی که چنین ترا پذیرفت؟

تو همراز کدام امام بودی که زمزمه‌هایش دیوانه عشقت کرد؟

قطره‌های اشکت را برای کدامین نور ریختی که لاله شهادت را به این سرعت بارور کرد؟

آب دیده و خون دلت را در کدامین بازار فروختی که چنین نقد شهادت خریدی؟

در «زیارت عاشورا» به سالار شهیدان چه گفتی که کربلایی شدی؟

بلند باد نامت! بزرگ باد حماسهات! جاودانه باد یادت!

ای شهید با ما سخن بگو نورفتی و ما را لیاقت رفتن نبود، طاقت ماندنمان نیز نیست اما عاشق کجا و عاشق‌نما کجا؟

یافتن کجا و بافتن کجا؟ دیدن کجا و شنیدن کجا؟

برساند و در عین حال دامن گسترده و وسیع خود را بر روی انواع و اقسام گرایش‌ها، علاقه‌ها، استمدادها، هنرها و فنون پهن کند و هرکس را به فراخور حال و توانش به سوی خود جلب و جذب نماید.

براستی که تئاتر بسیار شگفت‌انگیز است؛ (چنانکه در همهٔ مباحث ما مورد نظر بوده است، زاویه دید و سخن ما فقط در حوزهٔ بازیگران و تهیه‌کنندگان نمایش است نه تماشاگران؛ که آن نیز خود فصلی جداگانه می‌طلبد) تئاتر با آنچه‌ان دقت و سرعتی ما را به هدف می‌رساند که گاهی ما از سر و راز آن سردر نمی‌آوریم بلکه هنوز در فکر مقدمات هستیم.

البته باید متذکر شویم که اینچنین نمایشی که هم بلندگو خواهد و هم سن و پرده و صحنه و دکور و گریم و... در بسیاری از مدارس این سرزمین امکان عمل ندارد. امروزه مدارس ما آنچه‌ان تنگنای مالی و مکانی دچارند که شاید صرف بودجه و قرار دادن محل برای چنین نمایشی مقدور و ممکن نباشد. اما نباید از نظر دور داشت که هر مدرسه بنا بر موقعیت خود می‌تواند بخشی از این امور را به مورد اجرا بگذارد.

زیرا تئاتر همچون دایره‌ای بزرگ و گسترده است که انواع فنون و هنرها را در خود جای می‌دهد ولی این گستردگی بسته به امکانات مدرسه و نیز قدرت و توانایی مربیان است و در صورت نقص یا کمبود در این شرایط، دایرهٔ مزبور هر چه تنگ‌تر می‌شود. درست است که ما در برخی از مدارس نمی‌توانیم از آنچه‌ان گسترده‌گی و وسعتی برخوردار باشیم ولی آیا نمی‌توانیم به گونه‌ای ساده‌تر و محدودتر باز هم به اهداف تربیتی خود دست یابیم؟

در هر حال باید تئاتر را شناخت؛ باید تئاتر را کالبد شکافی روانشناسانه و هنرمندانه کرد و آن را در خدمت تربیت نسل‌ها قرار داد. تئاتر در مدرسه همچون اتومبیلی پر شتاب و پرفرودت است که به سهولت، طی طریق می‌کنند و به مطلوب می‌رسانند ولی باید تکنیک و روش آن را شناخت و گرنه باید باز هم از کنار چنان اتومبیلی لنگ‌لنگان بگذریم و راه را با چه مشتقی طی کنیم... و چه شگفت!!... پس کار را از اینجا شروع می‌کنیم: تئاتر را باید شناخت...